

# خلاءهای قانونی پلیس در ایستگاه‌های بازرسی انتظامی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۸

شهرام مدنی،<sup>۲</sup> مهدی مقیمی<sup>۳</sup>

از صفحه ۲۵۱ تا ۲۷۲

## چکیده

**زمینه و هدف:** قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نقش بسیار مهمی را در ایجاد توازن بین حقوق فردی و اجتماعی افراد جامعه با حقوق حاکمیتی ایفا می‌کند. لیکن آنچه مبرهن است؛ تحولات پرشتاب اجتماعی، افزایش دامنه و سرعت انتقال جرایم، تغییر و پیچیدگی شگردهای ارتکاب جرم و نیز ورود جرایم نوظهور به عرصه اجتماعی مسیر اجرای قوانین را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد که در تدوین از افق فکری دور مانده‌اند و خلاءهای قانونی ناشی از عدم پیش‌بینی تمام زوایای دور و نزدیک توسط قانونگذار، پلیس را نیز به عنوان یکی از دستگاه‌های امنیت‌ساز و مجری قانون با چالش‌های عمده‌ای به خصوص هنگام برخورد با مواردی از جرایم غیرمشهود و مشکوک در بازرسی بدنی اشخاص و نیز بازرسی انتظامی خودرو مواجه می‌سازد. هدف اصلی این پژوهش شناسایی خلاءهای قانونی پلیس در ایست و بازرسی انتظامی نفر و خودرو می‌باشد.

**روش:** این پژوهش در محدوده مکانی فرماندهی انتظامی استان اردبیل انجام گرفته و جامعه آماری آن به تعداد ۶۸ نفر، شامل کلیه کارکنان محورهای ایست بازرسی استان اردبیل می‌باشد. به دلیل محدودیت جامعه آماری و به منظور پایایی و روایی پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته، کارکنان پلیس‌های موادمخدر، پلیس آگاهی، کارکنان مبارزه با قاچاق کالا و کارشناسان خبره انتظامی و پلیس پیشگیری استان نیز مورد پرسش واقع گردیده‌اند.

**یافته‌ها و نتایج:** یافته‌ها نشان می‌دهد که در بازرسی بدنی اشخاص، وسایل نقلیه و ... خلاءهای قانونی در ایستگاه‌های ایست و بازرسی وجود دارد. هماهنگی قضایی برای انجام بازرسی بدنی هنگام مواجهه با افراد مظنون، وجود برداشت‌های ناهمگون درباره آمران به معروف و ناهیان از منکر مبنی بر حریم خصوصی بودن یا نبودن داخل خودروهای شخصی، نامعلوم بودن وضعیت اموال مکشوفه غیرمجاز بلاصاحب، مهم‌ترین چالش‌های ایست بازرسی در قانون جدید آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** ایست و بازرسی، بازرسی بدنی، بازرسی انتظامی خودرو، خلاءهای قانونی، پلیس.

۱- این پژوهش برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پیشگیری از جرم است.

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین.

۳- استادیار گروه جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) m60\_moghimi@yahoo.com

مفاهیم قانونی بطور عمده با مأموریت‌های ضابطین دادگستری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که در این پژوهش با عنوان کلی پلیس آورده شده است، پیوند خورده است. رعایت و اجرای موازین قانونی به عنوان خطمشی اصلی سازمان پلیس نهادینه شده است. تنوع بسیار زیاد مأموریت‌های پلیس در راستای برقراری نظم و امنیت عمومی، مأمورین را در شرایط از قبل پیش‌بینی نشده‌ای قرار می‌دهد که موجب می‌گردد، اقدامات آنان به تنهایی در متن قوانین گنجایش نداشته باشد. از جمله وظایف نیروی انتظامی ایجاد و استقرار ایستگاه‌های ایست و بازرسی انتظامی با اهداف پیشگیری از وقوع جرایم، مبارزه با حمل و قاچاق، شناسایی و دستگیری متهمین و مجرمین و... می‌باشد. لیکن در راستای انجام بازرسی توسط پلیس، بخصوص هنگام مواجهه با حالت‌هایی از جرایم غیرمشهود و مشکوک، مواردی پیش می‌آید که در تنگنای زمانی و مکانی، محدودیت‌های قانونی اعمال شده در قوانین کیفری بطور شکلی از آزادی عمل مأمورین برای انجام وظایف خود از جهت کسب تکلیف اولیه قضایی جهت بازرسی نفر و بازرسی انتظامی خودرو به میزان قابل توجهی می‌کاهد که در این پژوهش به دنبال شناسایی خلأهای قانونی می‌باشیم.

### بیان مسأله

علیرغم دقت و تلاش فراوان متولیان قانون‌گذاری در تدوین و تنظیم قوانین موضوعه، چالش‌ها و موضوعاتی فراروی قانون‌گذاری جامعه قرار می‌گیرد که جزء پس از ابلاغ و اجرای آنها قابل پیش‌بینی نبوده است، به طبع اگر قانون هم ناقص بوده و با شرایط زمانی و مکانی مطابق نباشد نتیجه اجرا، ضعیف بوده و یا اثر بخشی لازم را نخواهد داشت. یکی از راه‌های پیشگیری از جرم و کشف جرایم نیز، بازرسی و تفتیش توسط پلیس است، بازرسی انتظامی با رعایت لزوم حریم خصوصی افراد تعارض دارد، ولی اغلب کشورها به دلیل مبارزه با بزه‌کاران آن را پذیرفته‌اند. مأموران نیروی انتظامی به استناد بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا به وظایفی که در این قانون و سایر قوانین برای آنها تعریف شده عمل می‌کنند. ولی با توجه به این‌که قانونگذار هیچگاه قادر به پیش‌بینی تمام زوایا و جزئیات و مسائل آینده جامعه نیست، با تصویب و ورود قوانین به مرحله اجراء، مأموران

نیز در اجرای وظایف محوله به دلایل و اشکال مختلف با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. بر همین اساس لازم است به طور دقیق بررسی شود که آیا قوانین و ضوابط در عرصه عمل و اجرا چگونه کارکردی داشته‌اند.

## مبانی نظری

مطابق ماده ۲ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور» و به استناد ماده ۳ قانون موصوف «هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است»، در ماده ۴ قانون مذکور نیز با برشمردن ۲۶ بند نسبت به تبیین حدود وظایف و اختیارات این نیرو به شرح پرداخته شده و در بند ۸ همین ماده به وظایف ضابطیت نیروی انتظامی به شرح ذیل اشاره شده است:

- الف- مبارزه با مواد مخدر؛
- ب- مبارزه با قاچاق؛
- ج- مبارزه با منکرات و فساد؛
- د- پیشگیری از وقوع جرم؛
- ه- کشف جرایم؛
- و- بازرسی و تحقیق؛
- ز- حفظ آثار و دلایل جرم؛
- ح- دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آن‌ها؛
- ط- اجرا و ابلاغ احکام قضایی.

بر اساس ماده ۲۸ قانون آ.د.ک جدید ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع

جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

نکته قابل توجه این‌که؛ علی‌رغم نقش مهم پلیس به عنوان ضابط دادگستری در پیشگیری از جرایم، با مذاقه و امعان نظر به ماهیت اقدامات پیشگیرانه که بیشتر از جنس غیرکیفری و مقدم بر مرحله قبل از وقوع جرم است؛ قانونگذار برای ضابطین در سطوح اولیه پیشگیری از جرم نقشی قائل نشده و قلمرو مداخلات ضابطین را در مرحله بعد از وقوع جرم مشخص نموده است که به عنوان خلاء قانونی برای پلیس قابل تأمل است. لذا آنچه مبرهن است در مرحله کشف جرم اقدامات ضابطین پررنگ‌تر می‌باشد (میرزایی و مسعودی، ۱۳۹۲).

بر این اساس و در قلمرو اختیارات و وظایف ضابطین، جرایم به سه دسته کلی جرایم مشهود - جرایم غیرمشهود و نیز جرایم مشکوک تقسیم می‌شوند.  
از لحاظ اصطلاحی جرایم مشهود جرایمی هستند که بصورت آشکار و در برابر چشمان مردم و ضابطین صورت گرفته باشد (همان).

در قانون آیین دادرسی کیفری اعم از قانون جدید و قدیم تعریفی مجزا از جرایم مشهود به عمل نیامده است و تنها به ذکر مصادیق آن بصورت حصری و نه بشکل تمثیلی پرداخته شده است. با توجه به مصادیق صریح ذکر شده در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری جدید، جرایم مشهود خود به دو نوع تقسیم می‌شوند:

الف - جرایم مشهود واقعی (موضوعی)

جرم مشهود واقعی جرمی است که در مرئی و منظر مأمورین انجام شده یا بلافاصله جرم یا آثار آن مورد مشاهده مأمورین قرار بگیرد، در واقع این جرایم حقیقتاً مشهود هستند (بند ۱ ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

ب- جرایم مشهود فرضی (حکمی)

این جرایم حقیقتاً مشهود نیستند ولی قانونگذار به علت وضعیت خاص وقوع، آنها را مشهود تلقی می‌کند، احراز جرم در این قبیل موارد به کمک ادله و قراین مادی و برهان‌های عقلی که امکان انتساب عمل مجرمانه به شخص معین را متصور می‌سازد صورت می‌گیرد (انصاری، ۱۳۵۷). لذا با این توصیف بندهای ۶ گانه بعدی از مصادیق ذکر شده در ماده ۴۵ آ.د. ک مصوب ۱۳۹۲ در این نوع قرار می‌گیرند.

جرم غیرمشهود نیز جرمی است که مدتی از ارتکاب آن گذشته باشد و بدست آوردن دلایل آن ممکن نباشد (گلدوزیان، ۱۳۷۲). یا جرمی است که پس از سپری شدن مدتی به آن وقوف حاصل می‌شود و قطعیت و دلایل جرایم غیرمشهود نسبت به جرایم مشهود کمتر و خفیف‌تر است (علی‌آبادی، ۱۳۷۳).

با توجه به این‌که قانونگذار، تعریفی از جرم غیرمشهود ارائه نداده، هر جرمی که خارج از مصادیق مذکور در بندهای هفت‌گانه باشد، جرم غیرمشهود محسوب می‌شود. اختیارات پلیس در جرایم غیرمشهود بسیار مضیق و محدودتر از اختیارات او در جرایم مشهود است. پلیس حق مداخله در جرایم غیرمشهود را ندارد، پلیس باید قبل از هر اقدامی مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستور به مقام قضایی صالح اعلام کند. از این رو در صورت مواجهه پلیس با آثار و علائم جرم غیرمشهود، موظف است که این آثار را حفظ و به اطلاع مقام قضایی صالح برساند. در ادامه مقام قضایی است که تعیین تکلیف کرده و یا خود اقدامات لازم را انجام می‌دهد و یا دستورات لازم را به پلیس می‌دهد. فارغ از تمایز جرم مشهود و غیرمشهود، پلیس مکلف است حتی در جرایم غیرمشهود، شکایت بزه‌دیده را قبول نمایند. اما تفاوت مهم در اینجاست که در جرم مشهود پلیس رسماً به نمایندگی از مقام پژوهش اقدام به تحقیقات لازم می‌کند، اما در این حالت مکلف است که شرح مآل را به اطلاع مقام قضایی صالح برساند. از نظر زمانی نیز باید این‌گونه تفسیر کرد که پلیس مجاز به نگهداری شکایت بزه‌دیده نزد خود نیست، از این رو در اسرع وقت می‌بایست شکایت را تسلیم مقام قضایی صالح نماید.

ماده ۴۳ آ.د.ک جدید اشعار می‌دارد «هرگاه قراین و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از

اطلاع به دادستان بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آنرا به دادستان گزارش دهند»

بنابراین در جمع‌بندی مبحث فوق می‌توان چنین استنباط کرد که، اقدامات ضابطین در برخورد با جرایم مشهود و جرایم غیرمشهود متفاوت است. از مجموع مواد ۴۳، ۴۴ و ۴۶ ق. آ.د.ک جدید می‌توان نتیجه گرفت که اقدامات ضابطین در جرایم غیرمشهود و نیز مشکوک محدود است و حق مداخله بدون دستور مقام قضایی را ندارند «ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند».

در قانون جدید آ.د.ک مصوب سال ۹۲ تنها در چند مورد محدود و به صورت اجمال به بازرسی بدنی اشخاص اشاره شده است، که در ذیل به آن پرداخته شده است :

ماده ۵۵ قانون آ.د.ک اشعار می‌دارد: ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را بطور کلی به ضابط ارجاع داده باشد. با امعان نظر به مفاد ماده فوق به روشنی لزوم وجود مجوز قضایی برای انجام بازرسی بدنی اشخاص در جرایم غیرمشهود استنباط می‌گردد. لذا ضابطان مکلفند ضمن رعایت دستورهای مقام قضایی، کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورت مجلس تنظیم کرده و مراتب را به مقام قضایی اعلام کنند.

مطابق ماده ۵۶ آ.د.ک مصوب ۹۲ بنا به عبارت «ضابطان مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند» چنین استنباط می‌گردد که در موارد مواجهه با جرایم مشهود و یا صدور مجوز بازرسی توسط مقامات قضایی ذی‌صلاح، ضابطین دادگستری مکلف به انجام بازرسی بدنی می‌باشند. لذا آنچه که مبرهن است انجام بازرسی بدنی اشخاص در اماکن و محیط‌های عمومی جز در موارد استثنایی باعث سلب حیثیت افراد و موهن شخصیت اجتماعی آنها است. توجه به این نکته نیز ضروری است که بازرسی بدنی زنان بایستی توسط ضابطین آموزش دیده نسوان به عمل آید تا موجبات هتک حیثیت و مسائل سوء اخلاقی مبتلا به فراهم نگردد.

## شرح و نقدی بر قانون بکارگیری سلاح

قانون بکارگیری سلاح در موارد ضروری توسط مأموران نیروهای مسلح در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ توسط مجلس شورای اسلامی در قالب ۱۷ ماده قانونی تصویب شده است که در این پژوهش به دلیل این که در ایست و بازرسی‌های انتظامی مأمورین اقدام‌کننده بیشتر با آنها سروکار دارند به تشریح مواردی از مواد قانونی مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته و نقدهای وارد بر قانون مذکور را بیان می‌نماییم.

در ماده ۱ قانون فوق آمده است: مأموران مسلح موضوع این قانون که به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضائیه به تفتیش، تحقیق و کشف جرایم و اجرای احکام و سایر مأموریت‌های محوله، مجاز به حمل و بکارگیری سلاح می‌باشند، موظفند به هنگام بکارگیری سلاح در موارد ضروری کلیه ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند. که با عنایت به استعمال «موظفند» و مفهوم «رعایت کلیه ضوابط و مقررات قانون فوق»، به روشنی استنباط می‌گردد؛ در صورت عدم رعایت تمام جوانب امر، مسئولیت کیفری و مدنی متوجه مأمورین شده و پیگرد قانونی آنان را در پی دارد. نکته مهم اینجاست که در موارد فوری و در تنگنای زمانی و مکانی، استفاده از سلاح و تیراندازی نیازمند تصمیم‌گیری سریع، قدرت تشخیص و تجزیه و تحلیل بالایی است که به جهت قرار گرفتن در شرایط سخت و تنش‌زا امکان تطبیق کلیه موارد قانونی تیراندازی با صحنه عمل بصورت فوری آسان نبوده و به جهت تبعات سنگین آن با تردید مأمورین همراه می‌شود که در موارد زیادی، ناشی از موضع‌گیری‌های شدید قانونی و سازمانی در مقابل مأمورین اقدام‌کننده می‌باشد. هر چند در ماده ۲ این قانون شرایط مأموران مسلح به شرح:

- ۱- سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت محوله؛
- ۲- داشتن آموزش‌های لازم در راستای مأموریت‌های محوله؛
- ۳- تسلط کامل در بکارگیری سلاحی که در اختیار آنها گذارده می‌شود؛
- ۴- آشنایی کامل به قانون و مقررات مربوط به استفاده از سلاح.

آورده شده است و لیکن موارد متعددی پیش می‌آید که مأمورین اقدام‌کننده علیرغم داشتن تمام شرایط مذکور به جهت محدودیت زمانی و مکانی و نیز شرایط روانی حاکم بر رویداد پیش آمده به علت تشخیص نادرست و عدم عکس‌العمل مناسب موجبات بروز شکست‌های حفاظتی می‌گردند که نیازمند ارتقاء هر چه بیشتر مهارت‌های تصمیم‌سازی می‌باشد لذا شایسته بود گواهی داشتن آن پس از طی دوره‌های آموزشی مربوطه در یکی از بندهای ماده ۲ گنجانده می‌شد.

برابر ماده ۳ - مأموران انتظامی در موارد ذیل حق بکارگیری سلاح را دارند:

- ۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید؛
- ۲- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند، ولی اوضاع و احوال طوری است که بدون بکارگیری سلاح، مدافعه شخصی امکان نداشته باشد؛
- ۳- در صورتی که مأموران مذکور مشاهده نمایند که یک نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است؛
- ۴- برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد؛
- ۵- در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی، از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید؛ از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد؛
- ۶- برای حفظ اماکن انتظامی (مقر نیروهای انتظامی از قبیل مرکز فرماندهی، ستاد، پاسگاه، پایگاه، انبار سلاح یا مهمات و مراکز آموزشی)؛
- ۷- برای حفظ سلاحی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان می‌باشد؛
- ۸- برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده به ویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگان‌گیری و اشغال؛



۹- برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیرمجاز قصد ورود و یا خروج داشته و به اخطار مأموران مرزبانی توجه نمی‌نمایند،

۱۰- برای حفظ تأسیسات، تجهیزات، اماکن نظامی، انتظامی و امنیتی.

با مذاقه و امعان نظر به بند چهارم ماده ۳ قانون فوق آنچه که مبرهن است اینکه، قانون‌گذار بصورت حصری صرفاً در خصوص پنج جرم مشهود حق بکارگیری سلاح به مأموران انتظامی را داده است که از پنج جرم اشاره شده، تنها سرقت از جرایم علیه اموال بوده و چهار جرم دیگر همگی از جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی جامعه هستند. بنابراین هر چند که پنج جرم مذکور از جرایم مهم می‌باشند و یقیناً صدور جواز بکارگیری سلاح جهت دستگیری مرتکبان جرایم مذکور برای حفظ مصالح جامعه لازم می‌باشد، لیکن به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در انتخاب جرایم مذکور از قاعده و نظام خاصی پیروی نکرده است؛ زیرا جرایم مهم دیگری نیز وجود دارد که از حیث شدت آسیب وارده به افراد و جامعه از اهمیت بالایی برخوردار بوده ولی قانونگذار از آنها سخنی به میان نیاورده است. به عنوان مثال: قاتل، قاچاقچی، جاسوس، متجاوز به عنف و... بیشتر از سارق امنیت جامعه را تهدید می‌کنند؛ لیکن در مورد سارق حق تیراندازی وجود دارد، اما در مورد جرایم اخیرالذکر با مشکل عدم جواز تیراندازی روبه رو هستیم (نسل، ۱۳۸۱).

پلیس در مسیر برقراری نظم و امنیت و آسایش عمومی و فردی با جرایم زیادی روبه رو است؛ بنابراین محدود کردن پلیس در بکارگیری سلاح در مورد عده بسیاری از قانون‌شکنان باعث ضعف در عملکرد پلیس هنگام مواجهه با مجرمان حرفه‌ای شده و از اقتدار آنان می‌کاهد.

همچنین ماده ۶ قانون فوق اشعار می‌دارد، تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آنها توسط مأموران موضوع این قانون در موارد زیر مجاز است:

الف) در صورتی که وسایل نقلیه بنا به قراین و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق، مسروقه یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا بطور غیرمجاز حامل سلاح و مهمات باشد.

متواری در لغت به معنای پوشیده و پنهان و توسعاً به معنای فراری و گریزان آمده است که در عرف و حقوق، معانی متعددی دارد. گاهی ممکن است به مرتکبان جرم که به قصد فرار از مجازات در حال اختفا و گریز هستند، اطلاق شود و زمانی به زندانیان و بازداشتی‌هایی که از زندان و بازداشتگاه یا در حال نقل و انتقال فرار کرده‌اند، اطلاق شود و در مواردی به بدهکاری که از دست طلبکاران فراری است گفته می‌شود و در مواقعی هم به فرزندی که از خانه پدری، یا زنی که از خانه شوهر فرار کرده باشد، فرد متواری می‌گوییم. ملاحظه می‌شود که واژه متواری مصادیق متعددی دارد که شایسته است قانونگذار در این خصوص نیز توضیح بیشتری بدهد.

ب) در صورتی که از وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به مأموران و یا مردم استفاده شده باشد.

در این بند قانونگذار از الفاظی که افاده ظن نماید استفاده نکرده است؛ بلکه باید بطور قطع و یقین برای مأموران مسجل شده باشد که از وسیله نقلیه برای تهاجم استفاده شده است. بنابراین برخی نکات مبهم در این بند به شرح ذیل وجود دارد که هر کدام نیازمند واکاوی دقیق می‌باشد:

۱- تا چه زمانی از گذشت تهاجم اولیه، مأموران حق تیراندازی به سوی خودرو مهاجم را خواهند داشت؟

۲- آیا خودروی مهاجم بیشتر مدنظر است یا راننده خودروی مهاجم؟ اگر راننده مهاجم عوض شده و فرد بیگناه دیگری به جای وی هدایت وسیله نقلیه را بر عهده داشته باشد، در آن صورت مسأله چه حکمی خواهد داشت؟

۳- آیا باید خود مأموران تهاجم را مشاهده کرده باشند یا اعلام موضوع از سوی مراجع ذی ربط کافی است؟

تبصره ۱- مأموران مذکور موظفند که در ایستگاه‌های ایست و بازرسی، وسایل هشداردهنده به اندازه لازم (اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان) تعبیه نمایند.

هر چند که وظیفه تهیه و توزیع امکانات مورد بحث با سازمان متبوعه است و لیکن در تبصره ۱ نیز از عبارت قانونی «به اندازه لازم» در بکارگیری وسایل هشداردهنده

برداشت‌های متفاوتی شده و ممکن است در مواردی به علت عدم فهم یکسان از آن مشکلاتی هم برای رانندگان و هم برای مأمورین اقدام‌کننده در محدوده ایست و بازرسی بوجود آید. فلذا تهیه الگوی استاندارد متناسب با توان رزمی ایستگاه‌های بازرسی امری بدیهی به نظر می‌رسد.

## تعاریف و اصلاحات

۱- مفهوم بازرسی: بازرسی و تفتیش به معنی جستجو کردن است و در معنای حقوقی به فرایندی گفته می‌شود که در آن سعی می‌شود دلایل و مدارک مرتبط با جرم جمع‌آوری گردد. یا به تعبیری دیگر بازرسی عبارت است از تفتیش و جستجو در اشخاص، اشیاء، وسیله نقلیه و اماکن برای یافتن شیء یا شخص مورد نظر (عزیزآبادی و احمدی، ۱۳۹۲)؛

۲- بازرسی بدنی اشخاص: عبارت است از تفتیش ملبوس، اشیاء همراه و اعضای بدن متهم، به منظور کشف اسلحه مدارک جرم و اشیاء ممنوعه و یا کشف هویت؛

۳- بازرسی انتظامی وسایل نقلیه: عبارت است از جست‌وجو و کاوش در خودروی مظنونین به منظور کشف جرم و دستگیری مجرم یا مجرمان.

## مفهوم خلاءهای قانونی ایست و بازرسی انتظامی

تعریف عملیاتی: منظور موانع و مشکلات قانونی در قوانین کیفری فعلی، بویژه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ که با توجه به ضابط (عام) تلقی شدن پلیس در انجام وظایف محوله قضایی و جرایم مشهود و غیرمشهود، یک فصل مجزایی به وظایف و اختیارات ضابطین اختصاص داده شده است، می‌باشد. از طرفی با توجه به اهمیت موضوع بازرسی انتظامی (که در خود قانون ناجا نیز به آن اشاره شده است) و سکوت و موانع قانونی قانونگذار در حوزه بازرسی انتظامی منجمله ایست و بازرسی‌ها و تفتیش افراد و خودروها و... آزادی عمل پلیس را عملاً در فرآیند کشف جرم و پی‌جویی‌های انتظامی با موانع و چالش‌های اساسی مواجه ساخته است.

## اهداف تشکیل ایستگاه‌های ایست و بازرسی انتظامی

دستورالعمل ساماندهی ایستگاه‌های بازرسی، با عنایت به توطئه‌ها، تحرکات و عناد برخی از کشورهای بیگانه با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، شهرها و مبادی ورودی و خروجی کشور عزیزمان همواره در معرض تهدیدات امنیتی، قاچاق سلاح و مهمات و مواد مخدر، مشروبات الکلی و... بوده؛ فلذا به منظور کنترل صحیح و قانونمند وسایل نقلیه عبوری دارای وضعیت مشکوک و غیرعادی و همچنین بررسی وضعیت رانندگان و سرنشینان و محموله‌های مورد حمل، ایستگاه‌های بازرسی در سطح ناجا راه اندازی گردیده و کارکنان ناجا بنا به ضرورت‌های امنیتی و انتظامی در محل‌های از قبل پیش‌بینی شده در تابعیت پلیس پیشگیری استقرار یافته‌اند.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و نوع مطالعه اکتشافی با روش توصیفی-پیمایشی است که مطالب آن با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پرسشنامه محقق ساخته و کسب نظر از خبرگان و کارشناسان صاحب‌نظر در حوزه پلیس پیشگیری ناجا جمع‌آوری شده است.

این پژوهش در محدوده مکانی ایستگاه‌های ایست و بازرسی فرماندهی انتظامی استان اردبیل در سال ۱۳۹۵ انجام گرفته است.

ابزار مورد استفاده در گردآوری این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته حاوی ۲۰ سوال با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد که در تدوین آن از نظر اساتید و کارشناسان انتظامی، صاحب‌نظران حوزه ایست و بازرسی استفاده شده است. همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به پیشینه پژوهش و ادبیات موضوع از کتب و مقالات تخصصی، پایان‌نامه‌های دانشجویی، پایگاه‌های اینترنتی، سایت‌های مرجع مجلات علمی و... استفاده به عمل آمده است.

جامعه آماری پژوهش مذکور شامل کلیه کارکنان محورهای ایست بازرسی استان اردبیل بوده و با توجه به این‌که جامعه آماری به صورت تمام شمار است، لذا فاقد جامعه نمونه می‌باشد. مضاف بر این‌که به جهت محدودیت جامعه آماری و به منظور پایداری و

روایی پژوهش، دواير تخصصی مقابله با قاچاق کالا و مبارزه با مواد مخدر فرماندهی انتظامی استان اردبیل نیز مشمول پژوهش قرار گرفته‌اند.

## یافته‌های پژوهش

۲۶۳

### جدول آزمون نرمال بودن متغیرها

با توجه به بزرگتر بودن ۰/۰۱، سطح معناداری تمامی موارد در جدول با اطمینان ۰/۹۹ پذیرفته شده و اینگونه تفسیر می‌شود که تمامی متغیرهای اندازه‌گیری شده دارای توزیع نرمال هستند. بنابراین می‌توان از آزمون ناپارامتریک فریدمن برای طبقه‌بندی سوالات و از آزمون t تک نمونه‌ای برای تائید یا رد فرضیه‌ها استفاده نمود.

جدول شماره ۱- آزمون کلموگرف اسمیرنوف

متغیرها	بازرسی بدنی اشخاص	بازرسی انتظامی وسایط نقلیه(خودرو)
حجم نمونه	۶۸	۶۸
کلموگرف-اسمیرنوف	۱۵/۸۲۳۵	۱۶/۷۶۴۷
سطح معناداری	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۱۶

### آزمون t تک نمونه‌ای برای سوالات پژوهش

**سوال اول:** خلاءهای قانونی پلیس در ایستگاه‌های بازرسی انتظامی (بازرسی بدنی افراد) در نظام کیفری فعلی چیست؟

**جدول شماره ۲- خلاءهای قانونی پلیس در ایستگاه‌های بازرسی انتظامی (بازرسی بدنی افراد) در نظام کیفری فعلی**

متغیر مورد بررسی	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد میانگین
بازرسی بدنی اشخاص	۶۸	۱۵/۸۲۳۵	۳/۷۱۳۳۹	۰/۴۵۰۳۲
متغیر مورد بررسی	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	
بازرسی بدنی اشخاص	۳۵/۱۳۹	۶۷	۰/۰۰۰	

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ و مقایسه آن با خطای مجاز ۰/۰۱، با اطمینان ۰/۹۹ فرض  $H_0$  رد می‌شود. به عبارت دیگر در انجام بازرسی اشخاص توسط پلیس مواردی از خلاءهای قانونی وجود دارد بنابراین فرضیه فوق مورد تائید قرار می‌گیرد.

**سوال دوم:** خلاءهای قانونی پلیس در ایستگاه‌های بازرسی انتظامی (بازرسی خودرو) در نظام کیفری فعلی چیست؟

جدول شماره ۳- خلاءهای قانونی پلیس در ایستگاه‌های بازرسی انتظامی (بازرسی خودرو) در نظام کیفری فعلی

متغیر مورد بررسی	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد میانگین
بازرسی انتظامی وسایل نقلیه	۶۸	۱۶/۷۶۴۷	۵/۳۰۳۱۰	۰/۶۴۳۱۰
متغیر مورد بررسی	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	
بازرسی انتظامی وسایل نقلیه	۲۶,۰۶۹	۶۷	۰/۰۰۰	

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ و مقایسه آن با خطای مجاز ۰/۰۱، با اطمینان ۰/۹۹ فرض  $H_0$  رد می‌شود. به عبارت دیگر در انجام بازرسی انتظامی وسایل نقلیه توسط پلیس مواردی از خلاءهای قانونی وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

مأموریت‌های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که در این پژوهش با عنوان پلیس از آن صحبت می‌شود از چنان پیچیدگی و تنوع برخوردار است که همواره با بروز رویدادهای جدید باب دیگری از مأموریت‌ها در راستای حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه فراروی پلیس قرار گرفته و به عنوان وقایع نوظهور در برنامه‌های مدیریت انتظامی گنجانده می‌شود. نکته قابل توجه این است که وضع قوانین جامعه متناسب با وضعیت حال جامعه با اندک نگاهی به آینده صورت می‌گیرد و تنها زمانی خلاءها و مشکلات قوانین تدوین شده آشکار می‌گردد که پس از تصویب و ابلاغ یا به عرصه اجرا می‌گذارند.

قوانین جامعه بایستی طوری تدوین شوند که دارای همگرایی معناداری بوده و ضد و نقیض یا نافی دیگری نبوده و از شفافیت و قابلیت اجرایی بالایی برخوردار و چنان نباشد در مقام اجرا به علت ابهامات احتمالی در متن قوانین، باب تفاسیر و اعمال سلاقی متعدد گریبانگیر آن شده و مسیر تدوین آنها به بی‌راهه کشیده شود.

علیرغم این که قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نقشه راه مشخصی را در خصوص نحوه اقدامات ضابطین در مواجهه با جرایم (مشهود و

غیرمشهود) تدوین نموده است، لیکن مشکل اینجاست که در موارد زیادی پیچیدگی و سرعت انتقال جرایم، شگردهای بکار رفته نوین مجرمین و تبهکاران برای ارتکاب جرایم با دور زدن قانون و سوءاستفاده از خلاءهای موجود، شرایطی را ایجاد می‌کنند که اقدامات ضابطین دادگستری (پلیس) در راستای مقابله با آنها به تنهایی در متن قوانین نمی‌گنجد و به موازات آن پلیس نیز صرف نظر از ملحوظ نظر قرار دادن حقوق شهروندی به آزادی عمل بیشتری نیاز پیدا می‌کند. به عنوان مثال در یگان‌های ایست و بازرسی، مأمورین به کرات با موارد زیادی از تردد افراد یا خودروهای مظنون به ارتکاب جرم برخورد دارند که گاهی نیاز به ضرورت بازرسی از آنها فوری بوده و در آن واحد امکان هماهنگی اولیه قضایی میسر نشده و موجبات فرار متهمین یا از بین رفتن ادله جرم فراهم می‌گردد، چرا که ماده ۴۳ آ.د.ک جدید اشعار می‌دارد «هرگاه قراین و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آنها به دادستان گزارش دهند» یافته‌های پژوهش حاضر نیز مؤید آن است که در مواجهه با اشخاص مشکوک یا تردد خودروهای مظنون به ارتکاب جرم من جمله جرایم غیرمشهود، پلیس بخصوص در ایستگاه‌های ایست و بازرسی انتظامی آزادی عمل لازم را به لحاظ قانونی نداشته و بسیاری از مجرمین با آگاهی از عدم مجوز تفتیش توسط پلیس و دست‌آویز قرار دادن معانی روح بخش حقوق شهروندی اقدام به ارتکاب مقاصد خلاف قانون خود می‌نمایند. براساس یافته‌های به دست آمده در این پژوهش و با توجه به سوال اصلی پژوهش که به دنبال شناسایی خلاءهای قانونی پلیس در ایستگاه‌های بازرسی انتظامی (بازرسی اشخاص و خودرو) بود. متغیرهای مورد نظر پژوهش، شامل الف) متغیرهای مستقل: ۱- بازرسی بدنی اشخاص و ۲- بازرسی انتظامی وسایل نقلیه. ب) متغیر وابسته: خلاءهای قانونی ایست و بازرسی، ارزیابی که می‌توان ادعان داشت؛ موضوع هماهنگی قضایی برای انجام بازرسی بدنی هنگام مواجهه با افراد مظنون بخصوص در نقاط کور و زوایای پنهان که مناسب جهت استقرار پست‌های ایست و بازرسی بوده و ارتباط تلفنی و بی‌سیم نیز جهت اخذ دستور مقدور نمی‌باشد، از نظر پاسخگویان به پرسشنامه پژوهش در اولویت اول قرار گرفته و به روشنی وجود برخی خلاءهای قانونی ناشی از عدم امکان کسب

تکلیف قضایی در راستای انجام مأموریت ایست و بازرسی برای همکاران آن رده‌ها کاملاً مشهود بوده و اقدامات مأمورین عمل‌کننده تحت الشعاع عدم انطباق با موازین قانون جدید آیین دادرسی کیفری به لحاظ عدم هماهنگی اولیه قضایی قرار گرفته و مشکلات و موانعی در راستای تحقق اهداف ایست و بازرسی‌ها ایجاد می‌شود که در هر دو حالت بازرسی بدنی اشخاص و بازرسی خودروها وارد می‌باشد.

وجود تعارضاتی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ با قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر مبنی بر حریم خصوصی بودن یا نبودن داخل خودروهای شخصی، به عنوان یکی دیگر از چالش‌های تفتیش خودروها در ایست و بازرسی‌های انتظامی، ناشی از عدم انطباق قوانین موضوعه پیرامون موارد فوق نیز کاملاً محسوس بوده و در صحنه اجرا مشکلاتی به همراه دارد.

گذشته از موارد معنونه، این موضوع که: در بازرسی از خودروهای عمومی، در صورت کشف اموال غیرمجاز بلاصاحب (که صاحب اصلی قابل شناسایی نیست) هماهنگی قضایی با مشکل مواجه بوده و بلا تکلیفی برای مأمورین و مسافری ایجاد می‌شود، جزء دیگر مواردی است که قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ در این خصوص تا حد زیادی ساکت بوده و موجبات بلا تکلیفی برای مأمورین و نیز شهروندان از این طریق فراهم می‌گردد.

رعایت حرمت و حیثیت افراد در حین بازرسی بدنی که مورد حمایت قانونگذار است، نیازمند فضای مناسب در ایست و بازرسی انتظامی بوده و از دیگر چالش‌های مأموریتی همکاران ایست و بازرسی انتظامی می‌باشد که با موازین حقوق شهروندی نیز مغایرت دارد (چرا که غالب تیم‌های ایست و بازرسی انتظامی در نقاط کور و حساس ایجاد و لزوماً تا قبل از انتقال متهم بایستی حداقل برای اطمینان از وجود یا عدم وجود هرگونه سلاح سرد یا گرم همراه متهم؛ یک بازرسی مقدماتی از ایشان در صحنه عملیات به عمل آید) از طرفی مطابق ماده ۵۶ آ.د.ک مصوب ۹۲، بنا به عبارت «ضابطان مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند» چنین استنباط می‌گردد که در موارد مواجهه با جرایم مشهود و یا صدور مجوز بازرسی توسط مقامات قضایی ذی صلاح، ضابطین دادگستری مکلف به انجام بازرسی بدنی می‌باشند.



همچنین در جرایم غیر مشهود که ظن قوی مأمورین به وجود اقلام یا موارد مشکوک می‌رود، کسب تکلیف از مقام قضایی جهت بازرسی بدنی افراد موجبات اتلاف وقت و از بین رفتن ادله جرم را در پی داشته و یا در موارد زیادی دسترسی به مقامات قضایی برای هماهنگی و کسب تکلیف فوری مبنی بر انجام بازرسی بدنی مقدور نبوده و یا مقامات مذکور همکاری لازم را با عوامل انتظامی به عمل نمی‌آورند، کما این که نیاز به ضرورت بازرسی خودروهای دارای ظن قوی به حمل آلات مجرمانه لحظه‌ای بوده و در آن واحد و در تنگنای زمانی و مکانی امکان هماهنگی قضایی میسر نمی‌گردد مضاف بر اینکه به جهت مواجهه با تعداد کثیری از خودروهای عبوری مشکوک امکان هماهنگی قضایی برای بازرسی همه آنها توسط مأمورین مقدور نمی‌باشد؛ چرا که بازرسی خودرو نیاز به اخذ دستور قضایی موردی دارد و قضات نیز از اعطای دستورات کلی خوداری می‌کنند.

بازرسی بدنی اطفال که ضابطین دادگستری (پلیس) نیز طبق ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی مصوب سال ۹۲ از تحقیق در آن مقوله تقریباً بطور کامل منع شده‌اند، از دیگر موضوعاتی است که در حوزه مأموریتی ایست و بازرسی انتظامی مطرح می‌باشد، چرا که بسیاری از مجرمین با سوء استفاده از همراهان خردسال خود، نسبت به جاسازی مواد مخدر یا سایر وسایل مجرمانه در پوشاک، البسه و دیگر ملزومات آنها نموده و درصد عبور آنها از ایست و بازرسی‌های انتظامی می‌شوند. لذا عدم وجود پلیس ویژه اطفال در آن لحظه برای جلوگیری از امحای ادله جرم، به جهت عدم پیش‌بینی دقیق سازوکارهای قانونی لازم، بایستی مورد توجه قانونگذاران و مسئولین ارشد سازمانی قرار گیرد. مضاف بر اینکه تشریفات قانونی تدوین شده در نظام کیفری فعلی در خصوص بازرسی بدنی افراد مشکلات حقوقی و پیگیری قضایی مأمورین را هنگام مواجهه با موارد مظنون در پی داشته و لذا باعث کاهش انگیزه آنان در برخورد با جرایم می‌شود. گذشته از آن فقدان پرسنل نسوان بصورت ۲۴ ساعته در مقرهای ایست و بازرسی ناجا موجب می‌گردد بسیاری از اشیاء و لوازم غیرمجاز از طریق زنان از ایستگاه‌های بازرسی عبور داده شوند. فلذا برای مقابله با این موارد صرف نظر از بالا بردن اشرافیت اطلاعاتی همکاران ایست و بازرسی، پیش‌بینی و بکارگیری پرسنل نسوان بصورت ۲۴ ساعته در یگان‌های ایست و بازرسی انتظامی امری بدیهی به نظر می‌رسد. همچنین کمبود امکانات فنی و تکنولوژی‌های نوین و پیشرفته، عدم یکپارچگی بانک‌های اطلاعاتی و

سیستم‌های موجود در کنار برخی خلاءهای قانونی ذکر شده، مزید بر کاهش انگیزه مأمورین ایست و بازرسی انتظامی شده و موجب می‌شوند؛ ایست و بازرسی‌ها در موارد زیادی به درستی انجام نگرفته و نتایج مطلوب حاصل نگردد. اگر انجام ایست و بازرسی توسط پلیس را اقدامی در جهت پیشگیری از جرم قلمداد نماییم باید اذعان داشت، در قوانین مدون و حتی در آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های داخلی ناجا، حدود وظایف، اختیارات و یا نحوه عملکرد و مأموریت پلیس برای پیشگیری (اعم از وضعی و اجتماعی) مشخص نشده است. در قانون اساسی، به اقدام مناسب اشاره شده اما در راستای اجرایی کردن اقدام مناسب، سخنی به میان نیامده و زمینه اقدام مناسب فراهم نشده است (مقیمی، ۱۳۹۵: ۸۴).

در جمع‌بندی مباحث می‌توان گفت: صرف نظر از وجود برخی کمبودهای سازمانی که اقدامات مأمورین را در این مقوله تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، وجود برخی خلاءهای قانونی در ایستگاه‌های بازرسی انتظامی اعم از بازرسی اشخاص و خودرو بخصوص از لحاظ هماهنگی اولیه قضایی، در مواجهه با جرایم غیرمشهود ملموس بوده و با توجه به میانگین کلی ۱۶/۷۶۴۷ و انحراف معیار ۵/۳۰۳۱۰ بدست آمده در خصوص متغیر بازرسی خودرو، نتیجه‌گیری می‌شود که از نظر پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه‌های پژوهش، خلاءهای قانونی در بازرسی خودرو با شدت بیشتری نسبت به بازرسی اشخاص (با میانگین ۱۵/۸۲۳۵ و انحراف معیار ۳/۷۱۳۳۹) مشهود می‌باشد. به عبارتی دیگر نتیجه پژوهش حکایت از ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش دارد.

### پیشنهادها

۱- مشکلات و محدودیت قانونی فراروی یگان‌های ایست و بازرسی در مواجهه با افراد و خودروهای مظنون؛ در نشست‌های تخصصی مسئولین ارشد ناجا با دستگاه قضایی موضوعات مشابه فوق چاره‌اندیشی و ترتیبی اتخاذ گردد تا پلیس بخصوص در یگان‌های ایست و بازرسی انتظامی، بنا به ضرورت بطور قانونی بتواند حداکثر یک ساعت اشخاص یا خودروهای مظنون به ارتکاب جرم را در اختیار داشته و پس از بررسی‌های لازم، رفع ظن و نتیجه را به مقامات قضایی گزارش نماید.

۲- به جهت تسریع در فرایند هماهنگی‌های قضایی، موضوع استقرار احدی از قضات دادسرا در یگان‌های ایست و بازرسی انتظامی مصوب، مورد پیگیری مسئولین ارشد سازمانی قرار گرفته و یا حتی المقدور احدی از قضات بطور مشخص به عنوان رابط دادسرا، پاسخگوی شبانه‌روزی مطالبات حقوقی همکاران ایست و بازرسی انتظامی معرفی گردد.

۳- با عنایت به مواجهه روز افزون پلیس با جرایم اطفال ناشی از کاهش سن بزهکاری، ترتیبات تشکیل پلیس ویژه اطفال مورد رای زنی قانونی قرار گیرد.

۴- از آنجائیکه نبود پرسنل نسوان بصورت ۲۴ ساعته در مقرهای ایست و بازرسی ناجا باعث ایجاد مشکلات قانونی و شرعی در بازرسی بدنی متهمین و مظنونین زن می‌شود، ترتیبی اتخاذ گردد حتی المقدور احدی از پرسنل نسوان بصورت ۲۴ ساعته پاسخگوی امورات مربوطه باشد.

۵- اجرای طرح مکنا (مدیریت کیفیت ناجا) در یگان‌های ایست و بازرسی مصوب در اولویت قرار گرفته و به جهت رعایت حقوق شهروندی فضای مناسب برای انجام بازرسی بدنی تکمیلی پیش‌بینی و یگان‌های ایست و بازرسی انتظامی به تجهیزات الکترونیکی پیشرفته مجهز و فرآیندها اصلاح و از روش‌های سنتی به سمت شیوه‌های نوین هدایت شوند.

## منابع

- احمدی، محمد حسین و عزیزآبادی، حسین (۱۳۹۲). مبانی امور انتظامی. انتشارات دانشگاه علوم انتظامی
- انصاری، ولی ا... (۱۳۵۷). حقوق تحقیقات جنایی. چاپ اول، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- ایوبی، محمد (۱۳۸۵). بررسی موانع و مشکلات نیروی انتظامی در مقام ضابط دادگستری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی.
- پرچی زاده، همایون (۱۳۹۴). دستگیری، نگهداری و بدرقه متهمین. انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۸). دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی. چاپ اول، نشر دادگستر.
- رمضان زاده، سعید (۱۳۹۴). آمار و کاربرد نرم افزارهای آن در پژوهش. چاپ دوم، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- زراعت، عباس و مهاجر، علی (۱۳۷۸). شرح قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری. چاپ اول، قم: انتشارات فیض، جلد اول.
- سوادکوهی، سام (۱۳۸۴). امنیت اجتماعی و جایگاه ریاستی دادستان و نظارتی مقام قضایی بر عملکرد ضابطین دادگستری. مجموعه مقالات کنکاشی بر جنبه های مختلف امنیت عمومی و پلیس، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، جلد دوم.
- صناعی، ابراهیم (۱۳۸۶). بازرسی خودرو و اماکن. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۳). حقوق جنایی. چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوسی، جلد ۱.
- فرجیها، محمد و دیگران (۱۳۹۱). معیارهای قانونی حاکم بر بازرسی های پلیس در نظام های کیفری مختلف. تهران: انتشارات کارآگاه.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۰). حقوق جزای اختصاصی. چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گل محمدی خامنه، علی (۱۳۸۵). مدیریت پیشگیری از جرایم. انتشارات معاونت آموزش دانشگاه علوم انتظامی امین.
- مرگان، راد (۱۳۸۰). نقش و وظیفه پلیس. ترجمه راحله الیاسی، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۲.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۱). شرح و نقدی بر قانون بکارگیری سلاح. انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- مسعودی، عباس و میرزایی، محمد (۱۳۹۴). مبانی حقوقی بازرسی پلیس با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲. انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.

– مقیمی، مهدی (۱۳۹۵). پلیس و حقوق شهروندی. انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.

- <http://www.sid.ir>.
- [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com).

Archive of SID